

بررسی آیات فقهی در حلیت یا حرمت استعمال دخانیات در

نگاه فریقین *

مرتضی رحیمی **

چکیده

پس از رواج دخانیات در بین مسلمانان، دانشمندان اسلامی درباره حکم آن سخن گفته‌اند؛ برخی از فقهای امامیه همچون شیخ حر عاملی، آیت‌الله مکارم شیرازی و... و همچنین بسیاری از دانشمندان اهل سنت، استعمال دخانیات را حرام دانسته‌اند. از این پژوهش که با روش توصیفی و تحلیلی انجام شده، برمی‌آید که از جمله دلایل مورد استناد این گروه از دانشمندان، آیاتی از قرآن است که در منابع فقهی و بعضاً تفسیری مورد اشاره و بررسی قرار گرفته است. مقایسه دیدگاه دانشمندان شیعه و اهل سنت درباره این آیات و چگونگی استناد به آنها نشان می‌دهد که در چگونگی حرمت استعمال دخانیات اختلاف است، زیرا برخی آن را گناه صغیره دانسته و برخی برای آن مجازاتی همچون مجازات شرب خمر در نظر گرفته‌اند. از این رو در فسق استعمال‌کننده دخانیات و امکان امامت او در نماز جماعت اختلاف شده است. بررسی آیات قرآنی نشان می‌دهد که اطلاق آیاتی که بر نکوهش قتل نفس، نکوهش به هلاکت انداختن خود و دیگران، زشتی تلف کردن نعمت‌های خدا، زشتی اسراف، حرمت استفاده از چیزهای پلید و... دلالت دارند، می‌توانند برای حرمت استعمال دخانیات مورد استفاده قرار بگیرند.

کلیدواژگان

دخانیات، آیات فقهی، حرمت، زیان، اسراف

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۵/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۷/۱۱

** دانشیار دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه شیراز | mrahimi2@gmail.com

مقدمه

مسلمانان برای اولین بار در اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم با دخانیات آشنا شدند. انگلیسی‌ها برای اولین بار آن را به سرزمین روم، یعنی سرزمین ترکان عثمانی وارد کردند و یک یهودی که خودش را حکیم می‌دانست، دخانیات را وارد سرزمین مغرب کرد. آن‌گاه دخانیات به مصر، حجاز، هند و بیشتر سرزمین‌های اسلامی وارد شد. (عبدالمنعم، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۴۲۶) پس از شیوع استعمال دخانیات در بین مسلمانان، فقهاء درباره حکم آن اختلاف پیدا کردند. (منجد، بی‌تا، بیع، ج ۱، ص ۲۰۳) فقهاء و مفسران اسلامی اعم از شیعه و اهل سنت، درباره استعمال دخانیات با نگرش رساله‌های مستقل و غیر مستقل اظهار نظر کرده‌اند. برخی از فقهای اسلامی با استناد به دلایلی، بر این باورند که استعمال دخانیات برای افراد مبتدی جایز است، هر چند که بهتر آن است که از استعمال آن دوری شود. (شیرازی، ۱۴۲۲ق، ص ۵۵۱) برخی از فقهاء و مفسران به طور مطلق استعمال دخانیات را حرام دانسته‌اند. (افندی، ۱۴۳۱ق، ج ۴، ص ۲۷۳؛ گنابادی، ۱۳۷۲ش، ج ۱، ص ۶۹؛ لجنة الفتوی بالشبکه الاسلامیه، ۱۴۳۰ق، ج ۶ ص ۳۵۴) آیت‌الله مکارم شیرازی درباره حرمت سیگار کشیدن گفته است: «سیگار کشیدن به خاطر ضررهای فوق‌العاده‌اش که همه آگاهان به آن اعتراف کرده‌اند، حرام می‌باشد.» (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷ق، احکام، ص ۱۴۹) برخی از فقهای اهل سنت حرمت استعمال دخانیات را هم‌سطح حرمت خمر دانسته و فتوا داده‌اند که استعمال‌کننده دخانیات باید هشتاد ضربه تازیانه بخورد. (محمد بن عبدالوهاب، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۱۰۶)

ابن عثیمین به اختلاف پیرامون حکم استعمال دخانیات اشاره نموده و گفته است: «اما درباره مسأله دخانیات باید گفت که مسأله دخانیات آسان‌تر از مسأله «دادن اختیار طلاق به زن» است، زیرا علماء در زمان گذشته و در زمان اخیر درباره مسأله دخانیات اختلاف کرده‌اند؛ برخی از ایشان گفته‌اند: مباح است و برخی از علماء گفته‌اند مکروه است و برخی از ایشان آن را حرام دانسته‌اند و برخی از آنان گفته‌اند مستحب است. برخی از ایشان گفته‌اند واجب است؛ آری اولین بار که مردم با پدیده دخانیات روبرو شدند، مانند طبیعت پدیده‌های جدید درباره آن اختلاف کردند. آنها که گفتند استفاده از دخانیات واجب است، در پاسخ به این سؤال که چگونه دخانیات واجب می‌شود؟ گفته‌اند: آری اگر فرض کنیم پس از این که مؤذن اذان گفت و انسان در حال استفاده از دخانیات است و یک یا دو ساعتی است که از دخانیات استفاده نکرده و الان خُمار است و امکان ندارد که او بتواند برود و نماز بخواند، مگر این که یک سیگار بکشد، در چنین حالتی گفته‌اند باید از دخانیات استفاده کند تا بتواند با آرامش نماز

بخواند؛ در این فرض استفاده دخانیات واجب است؛ (چنان که در حدیث آمده): «هنگام آماده بودن غذا یا به وقت غلبه ادرار و مدفوع بر انسان، نماز خواندن صحیح نیست» (المتقی الهمدی، ۱۴۰۹، ج ۷، ص ۵۲۴) با این حال ما این مطالب را می‌گوییم تا برای مردم تبیین کنیم که حرام دانستن استفاده از دخانیات یک مسأله اجماعی نیست، بلکه در تحریم آن اختلاف شده است. (ابن عثیمین، بی تا، ج ۴، ص ۳۵۵)

اما برخی از فقهای شیعه، همچون حر عاملی گفته‌اند که: «کشیدن سیگار نزد همه مسلمانان، چه آنان که سیگار می‌کشند و چه آنان که سیگار نمی‌کشند، کاری زشت و قبیح است، هر چه نزد همه مسلمانان زشت و قبیح باشد، نزد خداوند هم قبیح است.» (حر عاملی، ۱۴۰۳، ص ۲۲) همچنین در فقه اهل سنت آمده که علمای معاصر یا علمای اسلام بر حرمت استعمال دخانیات اجماع دارند و قول شاذ که از اباحه آن سخن گفته، قابل اعتنا نیست. (لجنة الفتوى بالشبكة الاسلامیة، ۱۴۳۰، ج ۶، صص ۳۵۳-۳۵۴) با این حال حرمت استعمال دخانیات و حرمت خمر و زنا متفاوت می‌باشد، زیرا محرمات به دو نوع کبیره و صغیره تقسیم می‌شود و استعمال دخانیات از نوع صغیره آن می‌باشد. (منجد، بی تا، بیع، ج ۱، ص ۲۰۵) برخی نیز در تفاوت حرمت خمر و استعمال دخانیات گفته‌اند که حرمت خمر به دلیل نص است، اما حرمت استعمال دخانیات به دلیل قیاس می‌باشد. (زهیری، بی تا، ج ۶، ص ۶۹)

اختلاف درباره حرمت استعمال دخانیات و چگونگی آن باعث شده که در مواردی همچون فسق و عدم فسق شخص سیگاری، جواز و عدم جواز امامت در نماز جماعت و... اختلاف به وجود آید؛ زیرا برخی از دانشمندان اسلامی به فسق فرد سیگاری باور دارند. (مکارم شیرازی، <https://makarem.ir>)

بی تردید در فرض صغیره بودن استعمال دخانیات، اصرار بر استعمال، آن را به گناه کبیره تبدیل می‌کند. بر همین اساس برخی از فقهای امامیه گفته‌اند: فردی که آشکارا سیگار می‌کشد، اگر از کسی تقلید می‌کند که کشیدن سیگار را حرام می‌داند، وی متجاهر به فسق است. (همان)

برخی از فقهای اهل سنت نیز گفته‌اند: «فردی که به حرمت کشیدن سیگار باور دارد، در صورت اصرار بر کشیدن سیگار فاسق است. با این حال نماز خواندن پشت سر فرد سیگاری (بر فرضی که وی به آنچه مربوط به نماز است، ملتزم باشد) صحیح است ... با این حال نماز خواندن پشت سر فرد غیرسیگاری بهتر است، زیرا نماز خواندن پشت سر شخص فاسق مکروه است.» (لجنة الفتوى، ۱۴۳۰، ج ۱۱، ص ۱۱۷۵۱) شیخ خالد بن احمد از فقهای مالکی گفته است: «امامت فردی که استعمال دخانیات می‌کند (گرچه بر آن مداومت نداشته باشد) جایز نیست و بنا بر قول بهتر، نماز خواندن پشت سر

چنین فردی باطل است و شهادت چنین فردی جایز نیست... این مذهب مالکیه است.» (حمادالرسی، بی تا، ج ۶۷، ص ۲)

فقه‌های امامیه نیز سیگار کشیدن را گناه کبیره نمی‌دانند، اما برخی از مراجع معاصر همچون آیت‌الله مکارم شیرازی کشیدن سیگار را به این دلیل حرام دانسته‌اند که به تصریح کارشناسان و اهل خبره مضرات زیادی دارد و گفته‌اند که شاید ائمه جماعت سیگاری مقلد ایشان نباشند، دیگران باید مضرات سیگار را به ایشان یادآوری کنند. (مکارم شیرازی، <https://makarem.ir>)

با وجود مستحدث بودن دخانیات، قائلان به حرمت استعمال آن به آیاتی استناد کرده‌اند که بررسی آنها مهم است و نشان می‌دهد که متون فقهی از جمله منابع مهم تفسیر آیات الاحکام هستند.

پیشینه تحقیق

تحقیق مستقلاً پیرامون آیات فقهی استعمال دخانیات وجود ندارد، اما برخی از دانشمندان امامیه، همچون آیت‌الله مکارم شیرازی و بسیاری از دانشمندان اهل سنت در آثار فقهی خود به برخی از آیات استناد کرده‌اند؛ همچنین آقایان رضا اسفندیاری و ابراهیم قاسمی در مقاله «مطالعه تطبیقی تدخین در فقه امامیه و اباضیه: بررسی دیدگاه آیت‌الله مکارم شیرازی و علامه احمد بن حمد خلیلی»، چاپ شده در فصلنامه مطالعات تطبیقی مذاهب فقهی، شماره اول، ۱۳۹۶ش، تنها به طور خلاصه دیدگاه آیت‌الله مکارم و علامه خلیلی را درباره برخی آیات، مورد اشاره قرار داده و به دیدگاه دیگر علمای مذاهب پیرامون آیات استعمال دخانیات اشاره نکرده‌اند؛ از این رو تحقیق حاضر در پی آن است که با روش توصیفی و تحلیلی به پرسش‌هایی همچون «آیا برای استعمال دخانیات و حکم آن آیاتی مورد استناد فقهای مذاهب اسلامی قرار گرفته است؟»، «آیا آیات مزبور بر حرمت استعمال دخانیات دلالت دارند؟»، «آیا استعمال کننده دخانیات، فاسق است؟» و مانند آنها پاسخ گوید.

مفهوم شناسی

کلمه دخانیات، جمع مؤنث سالم و به تعبیر بهتر جمع الف و تاء است که از ریشه دخان به معنای دود گرفته شده و یاء مشدد پایان آن، یاء نسبت است. در اصطلاح، دخانیات عبارت است از آنچه که از توتون و تنباکو به صورت سیگار و غیر آن استعمال می‌شود. (شاهرودی، ۱۴۲۶ق، ج ۳، ص ۵۸۶)

آیات مورد استناد درباره استعمال دخانیات

پس از شیوع استعمال دخانیات، استعمال آن به عنوان یک مسأله مستحدثه مورد توجه دانشمندان گوناگون اسلامی قرار گرفته است. توجه به آن آیات به عنوان آیات فقهی استعمال دخانیات به‌ویژه با توجه به آن که بیشتر در منابع فقهی مورد اشاره و بررسی قرار گرفته‌اند، حائز اهمیت است؛ می‌توان آن آیات را به شکل زیر مورد اشاره و بررسی قرار داد:

آیاتی که اذیت کردن و آزار رساندن به دیگران را نکوهش می‌کنند:

آیه «وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا كَتَبْنَا فَتَنًا وَبُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا.» (احزاب/۵۸) «و آن کسانی که زنان و مردان مؤمن را برای عمل زشتی که مرتکب نشده‌اند، مورد آزار قرار می‌دهند و درباره آنها شایعه‌پراکنی و غیبت می‌کنند، خود را به تحمّل کیفر تهمت و گناه علنی محکوم می‌گردانند.»

در چگونگی ارتباط این آیه با استعمال دخانیات باید گفت، آیه مزبور از آزار رساندن به مؤمنانی که کاری که آنها را شایسته و مستحق این آزار کند، انجام نداده‌اند، نهی می‌کند. (طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۵۸۱/۸) بدیهی است که استعمال دخانیات، به‌ویژه در اماکن عمومی موجب اذیت و آزار دیگران است؛ از سویی اذیت کردن دیگران حرام است؛ پس استعمال دخانیات که موجب اذیت دیگران است، حرام می‌باشد. (خلیلی، ۲۰۱۰م: ۱۹۴؛ طوری، ۱۹۹۸م: ۴/۱) استعمال دخانیات در اماکن غیرعمومی نیز آلوده کردن هوا و اذیت و آزار دیگران را در پی دارد و از همین رو حرام است. غیبت و بهتان که آیه از آن نهی نموده، از جمله مصادیق اذیت و آزار دیگران است. بدیهی است که سیگار کشیدن نیز از دیگر مصادیق اذیت است؛ از همین رو اذیت کردن دیگران در روایات به طور کلی مورد نهی قرار گرفته است، چنان که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرموده: «من أذى مسلماً فقد أذانی و من أذانی فقد أذى الله.» (متقی هندی، ۱۴۰۹ق: ۱۰/۱۶) «هر که مسلمانی را اذیت کند، مرا اذیت کرده و هر که مرا اذیت کند، خدا را اذیت کرده است.»

برخی از فقهای اهل سنت، از جمله شیخ محمد عینی از فقهای حنفی گفته است که از جمله دلایل حرمت استعمال دخانیات آن است که دخانیات بوی بدی دارد، به‌ویژه در اماکن عمومی مانند محل‌های برگزاری نماز، موجب اذیت و آزار دیگران و نیز اذیت و آزار ملائکه می‌شود. (اشقودری، ۱۴۲۲ق: ۲۰۳/۵؛ سدلان، ۱۴۱۱ و ۱۴۱۲ق: ۲۳۹/۳۲) بدیهی است که اذیت استعمال دخانیات به بوی بد آن محدود نمی‌شود، بلکه

سلامتی دیگران را نیز به خطر می‌اندازد، چنان که آیت‌الله مکارم شیرازی در پاسخ پرسش «آیا استعمال سیگار در صورتی که اشخاص دیگری که در آن مجلس هستند، راضی نباشند و موجب اذیت آنها شود یا برای آنها زیان داشته باشد، جایز است؟ در حالی که بعضی از مجامع طبّی می‌گویند: ضرر سیگار برای کسی که در آن فضای دودآلود است، سه برابر ضرری است که برای سیگاری دارد، لذا در بسیاری از مکان‌های تجاری و ادارات دولتی سیگار کشیدن را ممنوع اعلام کرده‌اند، آیا جایز است با این اعلان «سیگار کشیدن ممنوع است» مخالفت کرد یا باید به آن پایبند بود؟» گفته‌اند: «اذیت کردن دیگران جایز نیست و سیگار کشیدن در صورتی که موجب ضرر به دیگران شود نیز جایز نیست و در ادارات دولتی یا خصوصی که سیگار کشیدن را ممنوع کرده‌اند، این کار (سیگار کشیدن) حرام است، حتی اگر موجب اذیت هیچ‌کس نشود.» (مکارم شیرازی، استفتائات، ۱۴۲۷ق: ۱/۲۸۵)

آیاتی که پیروی از وسوسه‌های شیطان را نکوهش کرده‌اند:

از جمله این آیات، آیه «وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ» (البقره/۱۶۸؛ البقره/۲۰۸) است.

برخی از عالمان امامیه با استناد به این آیه بر این باورند که شدت علاقه افراد جاهل و فاسق به استعمال دخانیات و این که در بیشتر زمان‌ها و مکان‌ها آن را همراه خود دارند و موجب افزایش فسق و فساد ایشان می‌شود، نشانگر آن است که استعمال دخانیات از جمله وسوسه‌های شیطان است؛ از این رو اجتناب از آن ضروری است. (افندی، ۱۴۳۱ق: ۲۷۳/۴؛ حر عاملی، ۱۴۰۳ق: ۲۲۴) از سویی در حدیث قدسی آمده: «از مسلک و روش دشمنان من پیروی نکنید تا همانند آنها دشمن من به‌شمار آیید.» (صدوق قمی، ۱۳۸۶ق: ۲/۳۴۸)

استناد به آیه مزبور برای استفاده حرمت دخانیات خالی از اشکال نیست، زیرا استفاده جهال و فاسق از آن دلیل بر آن نیست که از وسوسه شیطان است، مگر آن که از دلایل دیگر همچون حرمت اذیت و اضرار و... وسوسه شیطان بودن آن را نتیجه بگیریم.

آیاتی که از کشتن خود و دیگران نهی می‌کنند:

(۱) - آیه تهلکه: «لَا تَلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ.» (بقره/۱۹۵)

تهلکه در لغت به معنای هلاک شدن است. برخی از عالمان لغت در معنای آن گفته‌اند: «تهلکه، هر چیزی است که فرجام آن هلاک و نابودی باشد.» (ابن سیده، بی تا، ج ۶: ۱۲۷)

برخی از فقهای امامیه با استناد به اطلاق آیه مورد بحث، مصرف مواد مخدر و استعمال دخانیات را حرام دانسته‌اند. (صدر، ۱۴۲۰ق، ج ۷: ۳۳۸؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۷ق، الفتاوی، ج ۳: ۱۴۹ و ۱۸۱) عالمان اهل سنت نیز با استناد به آیه مورد بحث، حرمت استعمال دخانیات را نتیجه گرفته‌اند. (اسامه، بی تا: ۴-۳۶؛ ابن عثیمین، ۱۴۲۷ق: ۴۶؛ طوری، ۱۹۹۸م: ۴/۱، لجنه الفتوی، ۱۴۳۰ق: ۲۹/۵)

در چگونگی استناد به این آیه برای تأیید حرمت استعمال دخانیات باید گفت که با توجه به مضرات زیاد استعمال دخانیات و نقش آن در ایجاد بیماری‌های تنفسی، قلبی و انواع سرطان که موجب مرگ و میرهای زیادی می‌شوند، بی تردید استعمال دخانیات از جمله مصادیق انداختن خود به هلاکت است.

(۲) - آیاتی که از کشتن نهی می‌کنند:

از جمله این آیات می‌توان به این آیه اشاره کرد: «و لا تقتلوا انفسکم ان الله کان بکم رحیماً.» (نساء/۲۹) «خودتان را نکشید، همانا خداوند نسبت به شما دلسوز و مهربان است.»

بر اساس این آیه و با توجه به زیان‌های دخانیات و نقش آنها در بیمارهای کشنده همچون انواع سرطان، می‌توان گفت استعمال دخانیات موجب کشتن تدریجی فرد توسط خود می‌شود، لذا نهی آیه شامل آن می‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷ق، استفتا: ۱۷۳/۳؛ حماد الرسی، بی تا: ۲/۶۷؛ لجنه الفتوی، ۱۴۳۰ق: ۲۹/۵، ابن عثیمین، ۱۴۲۰ق: ۴۶؛ سلمان، بی تا: ۱۲۰/۴)

به بیان دیگر، آیه هر نوع کار حرامی را شامل می‌شود، شاهد مدعا آن که در پاره‌ای از روایات به برخی از مصادیق آن همچون قمار اشاره شده است. (اشعری، ۱۴۰۸ق: ۱۶۲) از سویی بر اساس تصریح برخی از تفاسیر، ترک تجارت و ارتکاب گناهان و دشمنی‌ها مورد نهی آیه می‌باشد. (راوندی، ۱۴۰۵ق: ۴۱/۲؛ شهابی، ۱۴۱۷ق: ۱۱۰/۲) همچنین برخی از فقهای امامیه با استناد به این آیه گفته‌اند: «خوردن چیزی که زیان آور است، نظیر سم، شیشه، خاک و سنگ جایز نیست؛ علت آن سخن خداوند متعال است که فرموده «لا تقتلوا انفسکم» (منتظری، ۱۴۰۹ق: ۴۴۶/۳) بدیهی است که استعمال دخانیات به سبب زیان‌های انکارناپذیر آن حرام بوده و مشمول آیه است. از طرفی عقل حکم می‌کند که دخانیات از جمله موارد زیان آور و موجب هلاکت است، لذا استفاده از آن ممنوع است، چنان که شهید مطهری گفته است: «ما در اسلام دستوری

برای استعمال دخانیات نداریم... در اینجا اگر عقل و علم برای استعمال دخانیات ضررهای مهمی کشف کردند، مثلاً اگر کشف شود و علم ثابت کند که استعمال دخانیات واقعاً ضرر و زیان دارد، اساساً عمر آدم را کم می‌کند، یک ضایعه ایجاد می‌کند - چون می‌دانیم ضایعه ایجاد کردن را دیگر اسلام اجازه نمی‌دهد - مثلاً در ریه واقعاً ضایعه ایجاد می‌کند، تا چه رسد به اینکه ثابت بشود که مثلاً منشأ سرطان هم هست؛ اگر این مفسده در اینجا کشف شود، مجتهد به حکم آشنایی‌ای که با سیستم قانون‌گذاری اسلام دارد و می‌داند هر جا که یک ضرر مهم، یک ضرر قابل توجه برای جسم وجود داشته باشد، اسلام آن را اجازه نمی‌دهد، به حکم عقل فتوا می‌دهد حرام است.» (مطهری، ۱۳۷۷ش: ۲۹۴/۲۱)

از جمله آیاتی که برای این منظور مورد استناد قرار گرفته، این آیه است «قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ سَهْوًا غَيْرِ عِلْمٍ وَ حَرَّمُوا مَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ افْتِرَاءً عَلَى اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ». (انعام/۱۴۰) زیان کردند کسانی که به سفاکت بی هیچ حجتی فرزندان خود را کشتند و به خدا دروغ بستند و آنچه را به ایشان روزی داده بود، حرام کردند. اینان گمراه شده‌اند و راه هدایت را نیافته‌اند.»

با استناد به این آیه و آیات مشابه، یعنی آیات ۱۳۱ اسراء، ۱۳۷ و ۱۵۱ سوره انعام که از کشتن دیگران، از جمله فرزندان نهی می‌کنند، گفته شده افرادی که دخانیات مصرف می‌کنند، به طور غیرمستقیم فرزندانشان را می‌کشند. فرزندان افرادی که دخانیات مصرف می‌کنند، علاوه بر ضعیف بودن بنیه جسمی، در معرض بیماری‌های خطرناک نیز می‌باشند. (خلیلی، ۲۰۱۰م: ۲۰۷-۲۱۱)

آیاتی که از زیان رساندن نهی می‌کنند:

برخی از فقهای اسلامی با استناد به قاعده لاضرر، نتیجه گرفته‌اند که استعمال دخانیات حرام است و این حکم را به داشتن زیان مهم مشروط نکرده‌اند. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷ق، دائرة: ۲۱۵؛ لجنة الفتوی، ۱۴۳۰ق: ۳۵۴/۶؛ افندی، ۱۴۳۱ق: ۲۷۳/۴) برخی نیز حرمت آن را به داشتن ضرر مهم منوط و مشروط نموده‌اند. (شاهرودی، ۱۴۲۶ق: ۵۸۶/۳) برخی نیز گفته‌اند: «علت حرام بودن استعمال دخانیات، زیان آن است که متوجه مسلمانان می‌باشد.» (اسامه، بی‌تا: ۳/۲۶-۴)

با توجه به آنچه گذشت، می‌توان گفت آیاتی که نویسندگان قواعد فقهی برای شریعت قاعده لاضرر مورد اشاره قرار داده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱ق: ۲۹/۱) به نوعی می‌تواند برای حکم فقهی استعمال دخانیات مورد استفاده و استناد قرار گیرد؛ از جمله آنها این آیات است: «لَاتُضَارَّ وَالِدَةُ بَوْلِهَا وَ لَا مَوْلُودُ لَهَا بَوْلِهَا.» (البقره/۲۳۳)، «لَا

تضاروهن لتضيقوا عليهن» (طلاق/۶)، «من بعد وصية يوصي بها أو دين غير مضار.» (نساء/۱۶)، «لا تمسكوهن ضراراً لتعتدوا.» (البقره/۲۳۱)

گرچه در آیات مزبور به مصادیق خاصی از ضرر رساندن، همچون ضرر رساندن به پدر، فرزند، زن، وارث و... اشاره شده است، با این حال هر نوع ضرر رساندن حرام است. یکی از آیات حرمت استعمال دخانیات به دلیل ضرر و زیان، آیه «اثمها اکبر من نفعهما.» (البقره/۲۱۹) است، زیرا کلمه «اثم» در آیه مزبور به معنای زیان گرفته شده است. (عاملی، ۱۳۸۲ش: ۱/۱۹۰) آیه مزبور درباره حرمت خمر و قمار و فلسفه آن سخن می‌گوید و اشاره می‌کند که از جمله دلایل حرمت شراب و قمار آن است که زیان آنها بیشتر از منافع آنها است؛ بنابراین می‌توان یک قاعده کلی را از آن به دست آورد: «هر چه که زیانش بیش از منفعت آن باشد، حرام است.» (اسامه، بی تا: ۳/۲۶-۴) در این صورت استعمال دخانیات نیز به دلیل زیان زیادش حرام است.

با وجود آنچه در استناد به این آیه گذشت، می‌توان در نقد استدلال یادشده گفت که کلمه «إثم» در لغت به معنای زیان به کار نرفته است.

آیه دیگر در این زمینه عبارت است از: «إِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا.» (نساء/۴۳) و اگر بیمار یا در سفر بودید یا از مکان قضای حاجت بازگشته‌اید یا با زنان جماع کرده‌اید و آب نیافتید با خاک پاک تیمم کنید.» در چگونگی استناد به این آیه گفته‌اند که خداوند برای آن که شخص بیمار را در برابر زیان مصرف آب وضو و غسل حمایت کند، تیمم را بر وی واجب فرموده است، لذا هر نوع زیان رساندن به خود (که استعمال دخانیات از جمله مصادیق آن می‌باشد) حرام است. (منجد، ۱۴۳۰ق: ۵/۷۹۵۶) از سویی بر اساس تصریح برخی از فقهای امامیه، در فرض بیمار بودن شخص و زیان داشتن آب برای وی، به مقتضای قاعده لاضرر و لاضرر، وظیفه وضوی وی به تیمم تبدیل می‌شود. (نجفی، بی تا: ۵/۱۰۴)

گرچه شأن صدور آیات و روایات مربوط به قاعده لاضرر، ضرر رساندن به دیگران است، شأن ورود مفهوم عام، قاعده را محدود نمی‌کند و إضرار به نفس را نیز شامل می‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷ق، استفتا: ۳/۱۷۴) در تأیید این مدعا می‌توان به جمله «علم ما يضرهم فنهاهم عنه و حرّمه عليهم.» (کلینی، ۱۴۲۹ق: ۱۲/۲۱۰) از امام صادق علیه‌السلام اشاره نمود که ضرر را یکی از فلسفه‌های حرمت برشمرده است، زیرا در آن آمده که خداوند دانست که چه چیزی برای انسان زیان دارد، لذا از آنچه مضر است نهی نموده و آن را بر مردم حرام فرموده است. از سویی، با بیانی که گذشت، در آیه اخیر (نساء/۴۳) ضرر زدن به خود را نکوهش فرموده است.

حر عاملی نیز در استناد به این دلیل گفته است: «قاعده لاضرر دلالت بر حرمت سیگار می‌کند، زیرا کسانی که مدتی سیگار می‌کشند و همچنین پزشکان، به زیان سیگار شهادت می‌دهند و روشن است که زیان و ضرر بر حرمت آن دلالت دارد.» (حر عاملی، ۱۴۰۳:ق:۲۲۴)

آیاتی که به حرمت چیزهای خبیث اشاره دارد:

کلمه «خبیث» در لغت بر هر چیز پست اطلاق شده است. راغب گفته است: «خبیث هر چیزی است که به خاطر زشتی و ناپسندی و مکروه بودنش چنین نامیده شده، خواه کراهت حسّی و ظاهری داشته باشد یا کراهت معنوی و عقلی.» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ش: ۲۷۲) همچنین بر فعل و کار حرام نیز اطلاق شده است. (فیومی، بی تا، ج ۲: ۱۶۲)

در اصطلاح، «خبیث هر چیزی است که طبع و نفس، آن را پلید بداند؛ مثل آن که تناول آن موجب درد گردد. اصل در زیان، حرام بودن آن می‌باشد.» (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۵: ۳۸۱)

با توجه به آنچه در تفسیر واژه «خبیث» گذشت، برخی از دانشمندان اسلامی با استناد به آیه «یحرمّ علیهم الخبائث.» (اعراف/ ۱۵۷) «ولا تبدلوا الخبیث بالطیب.» (نساء/ ۲) حرمت استعمال دخانیات را نتیجه گرفته‌اند. (قحطانی، بی تا: ۳۵/۸، ثقفی، ۱۳۹۸ق: ۹۲/۱؛ لجنه الفتوی، ۱۴۳۰ق: ۷۹۲۲/۵؛ سرسیق، ۱۳۹۷ق: ۱/۱؛ مجموعه من العلماء، بی تا: ۶؛ افندی، ۱۴۳۱ق: ۲۷۳/۴) زیرا خداوند در آیات مزبور اشیاء را به دو نوع طیب و خبیث تقسیم فرموده است. بی تردید، دخانیات از نوع اشیاء طیب نیست، پس از اشیاء خبیث می‌باشد. (منجد، بی تا، دروس: ۲۴/۲۲۳)

در معیار خبیث بودن تردید شده است؛ زیرا معلوم نیست که آیا مراد از خبیث چیزی است که همه مردم آن را خبیث و پلید می‌دانند یا خود مکلف یا اهالی یک منطقه و کشور خاص؟ (روحانی قمی، ۱۴۱۲ق، ج ۲۴: ۹۷) با وجود تردید مورد اشاره، می‌توان گفت که منظور از «خبیث» هر چیزی است که طبع سالم انسان آن را خبیث دانسته و از آن متنفر شده و مشمئز می‌شود. در این باره بین مردم عرب و غیر عرب و ساکنان شهرها و آنها که در بیابان زندگی می‌کنند و نیز بین زمان توانگری و فقر تفاوتی نیست و معنای خبیث با اختلاف زمان، مکان و مردم دگرگون نمی‌شود؛ لذا دخانیات از مصادیق «خبیث» می‌باشد، زیرا در زبان آن شک و تردیدی نیست.

گرچه برخی صدق خبیث بر استعمال دخانیات را انکار کرده‌اند (قزوینی، ۱۳۹۷ق: ۲۳/۵) با این وجود بر اساس کاربرد واژه «خبیث» در معنای حرام (فیومی، بی تا، ج ۲: ۱۶۲) اطلاق «خبیث» بر دخانیات صحیح است.

آیاتی که از اسراف نکوهش می‌کنند:

با توجه به زیان استعمال دخانیات، هزینه کردن مال برای تهیه دخانیات از مصادیق اسراف است؛ زیرا استعمال دخانیات نه تنها فاقد منفعت مباح است، بلکه زیان آور نیز می‌باشد. (هیثمی، بی تا: ۲۰۳/۵) از همین رو برخی از دانشمندان اسلامی با استفاده از آیاتی که اسراف را نکوهش می‌کنند، حرمت استعمال دخانیات را نتیجه گرفته‌اند (افندی، ۱۴۳۱ق: ۲۷۳/۴؛ حماد الرسی، بی تا: ۲/۶۷؛ حر عاملی، ۱۴۰۳ق: ۲۲۴) برخی از آن آیات عبارتند از: «وَأَنَّ الْمُبَذِّرِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ» (غافر/۴۳)، «وَلَا تَبْذُرْ تَبْذِيرًا إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ» (اسراء/ ۲۶ و ۲۷) در تعریف تبذیر گفته شده: «تبذیر آن است که انسان مالی را در غیر طاعت و آنچه که فاقد منفعت است، هزینه کند.» (هیثمی، بی تا: ۱۸۸/۵) از سویی به موجب پاره‌ای از روایات، مسلمان مجاز نیست که حتی آب نیم‌خورده داخل لیوان خود را دور بریزد، چنان که امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: کمترین حد اسراف دور ریختن آب باقی‌مانده در لیوان و پوشیدن لباس مخصوص بیرون در منزل و دور ریختن هسته خرما است. (کلینی، ۱۴۲۹ق: ۶۲/۱۳)

در تأیید صدق اسراف بر هزینه‌هایی که استعمال دخانیات دربر دارند، باید گفت که با توجه به آمار دهه هشتاد شمسی، نزدیک به ده میلیون سیگاری در ایران وجود دارد که روزانه بیش از سه میلیارد تومان برای سیگار هزینه می‌کنند. اگر این رقم را در روزهای سال ضرب کنیم، حاصل آن بیش از هزار میلیارد تومان می‌شود. از سویی دولت‌ها به طور متوسط باید دو برابر مبلغی که صرف تهیه سیگار می‌شود، هزینه بیماری‌ها و عوارض ناشی از استعمال دخانیات کنند. (علیان نژادی، ۱۳۸۹ش: ۲۲ و ۲۸) سیگار علاوه بر آن که اسراف در مال و در نتیجه عامل زیان به جامعه است، اسراف در جسم و سلامتی نیز محسوب می‌شود.

آیاتی که از اعانه بر اثم نهی نموده‌اند:

کمک به انجام هر نوع گناهی حرام است، از این رو با توجه به حرام بودن استعمال دخانیات به تصریح بسیاری از فقهای اسلامی (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷ق، الفتاوی، ج ۳: ۱۴۹ و ۱۸۱؛ اسامه، بی تا: ۳-۲۶-۴؛ ابن عثیمین، ۱۴۲۷ق: ۴۶؛ طوری، ۱۹۹۸م: ۴/۱)، برخی از فقها با استناد به آیه «تعاونوا علی البر و التقوی و لا تعاونوا علی الاثم و

العدوان» (مأئده/۲) تشویق دیگران به استعمال دخانیات و ترویج آن را حرام دانسته‌اند. (لجنة الفتوى، ۱۴۳۰ق: ۳/۱۳۹۶؛ منجد، ۲۰۰۷م: ۲) مثلاً برخی گفته‌اند که اگر پدری به فرزند خود امر کند که برایش دخانیات بخرد، فرزند باید به دلیل روایت «لا طاعة لمخلوق في معصية الخالق» (حر عاملی، ۱۴۱۲ق: ۵/۲۸) به دستور پدرش عمل نکند. (ابن عثیمین، ۱۴۲۷ق: ۲/۲۴)

آیه مزبور بر حرمت استعمال دخانیات دلالت ندارد، اما می‌توان با استناد به آن گفت که بپرض حرام بودن استعمال دخانیات (همان‌گونه که فقهای زیادی به آن تصریح نموده‌اند) هر نوع تشویق و ترویج استعمال آن، اعانه بر اثم بوده و از این رو حرام است.

آیاتی که ظلم به خود را نکوهش می‌کنند:

استعمال دخانیات به دلیل زیان‌هایی که برای سلامتی بدن دارند، ظلم به خود هستند؛ لذا بر فرض که مصرف‌کننده دخانیات در محل عمومی و در کنار دیگران دخانیات را مصرف نکند و کار وی موجب اذیت و آزار دیگران نباشد، اما وی با استعمال دخانیات به خود ظلم می‌کند، از همین رو برخی از مفسران امامیه (ثقفی تهرانی، ۱۳۹۸ق: ۱/۹۲) با استناد به این آیه حرمت استعمال دخانیات را نتیجه گرفته‌اند: «فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَأَنْزَلْنَا عَلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا رِجْزًا مِنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ» (البقره/۵۹) اما ستمکاران آن سخن را دیگر کردند و بر آنان به جزای عسینانی که کرده بودند عذابی آسمانی فرود آوردیم.؛ زیرا به موجب این آیه، قوم بنی اسرائیل به خود دو ظلم کرده‌اند که عبارتند از: اول نعمت مهیا شده در دنیا و آخرت را از دست دادند. دوم آن که محنت و عذاب هر دو سرای را برای خود خریدند؛ از سویی خداوند در این آیه در مقام تقبیح ظلم به نفس، آن را به کفار و فساق نسبت داده است، بی آن که حکم آن را بیان فرماید؛ لذا استعمال دخانیات و هر کار دیگری که سلامتی انسان را به خطر بیندازد، به عنوان ظلم به نفس حرام می‌باشد.

آیاتی که از کار لغو و بیهوده نهی می‌کنند:

استعمال دخانیات یک کار عبث و بیهوده است. برخی آیات به پرهیز از کار لغو و بیهوده سفارش کرده‌اند. از جمله این آیات آیه «والذین هم عن اللغو معرضون» (مؤمنون/۳) است. حر عاملی گفته است: «کشیدن سیگار یک کار لغو و بیهوده است، هم مروت و مردانگی بر حرمت آن دلالت دارد و هم شرع به روی‌گردانی از امور لغو فرمان داده است.» (حر عاملی، ۱۴۱۲ق: ۵/۲۸)

استفاده از این نوع آیات برای اثبات حرمت استعمال دخانیات خالی از اشکال نیست، زیرا استدلال مزبور در صورتی درست است که لغو و بیهوده بودن استعمال دخانیات اثبات شود.

آیاتی که از فساد در روی زمین نهی می کنند:

برخی از دانشمندان اسلامی با توجه به نقش استعمال دخانیات در آلودگی هوا، استعمال آن را از مصادیق فساد در زمین دانسته و با استناد به آیه «وَ إِذَا تَوَلَّى سَعَى فِی الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَ يُهْلِكَ الْحَرْثَ وَ النَّسْلَ وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ.» (البقره/۲۰۵) حرمت استعمال دخانیات را نتیجه گرفته‌اند. (لجنة الفتوى ، ۱۴۳۰ق: ۱۲/۱۳۱۰۹؛ اسفندیاری و دیگران ، ۱۳۹۶: ۸۳-۱۰۲)

با توجه به این آیات، کسی که دخانیات مصرف می‌کند، به دلیل آلوده کردن محیط، موجب فساد زمین و نابودی نسل می‌گردد. گذشته از اثر مخرب دود سیگار بر اطرافیان، ته‌سیگار نیز یک ماده مصنوعی و غیرقابل تجزیه و تصفیه است. از سویی همه شهرها با مشکل انداختن ته‌سیگار در خیابان‌ها یا جوی‌ها مواجه هستند و این مسأله میزان نگرانی مردم را برای آب مصرفی و تصفیه شده‌شان افزایش می‌دهد. فیلتر سیگار ممکن است وارد شکم یک ماهی یا پرند شود و آنها این فیلترها را به اشتباه به عنوان غذا بخورند. لذا می‌توان گفت که فیلتر سیگار، قاتل خاموش زمین است، با توجه به زیان‌های انکارناپذیر فیلتر سیگار که مرکز تجمع مواد سمی سیگار است، در کشورهای دیگر رها کردن فیلترهای سیگار در طبیعت جرم محسوب شده و جریمه‌هایی را در پی دارد؛ مثلاً آمریکا ۲۰۰۰ دلار، کانادا ۲۰۰ دلار و استرالیا تا ۵۰۰ دلار برای پرتاب و رها کردن فیلتر سیگار جریمه تعیین کرده‌اند. (۳۱۱۳ <https://dalahoo.com/news.cfm?id=>)

آیات مربوط به سفاهت

برخی از دانشمندان اسلامی با استناد به آیه «وَ لَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا.» (نساء/۵) سفیه بودن افرادی که دخانیات مصرف می‌کنند و حرمت هزینه کردن برای آن را نتیجه گرفته‌اند؛ مثلاً خلیلی از مقتیان مذهب اباضیه در کشور عمان گفته است: «اغلب مفسران این آیه را دال بر جایز نبودن تصرف سفیه در مالش دانسته‌اند، زیرا سفیه در مالش اسراف می‌کند و آن را از بین می‌برد. مصرف‌کننده دخانیات نیز حکم سفیه را دارد، زیرا اموالش را نابود می‌کند و می‌توان گفت که وی

بالتر از سفیه است، زیرا سفیه تنها اموالش را نابود می‌کند، اما کسی که دخانیات مصرف می‌کند، افزون بر نابود کردن مالش، سموم را وارد بدن خود می‌کند که به وسیله آن در معرض مرگ قرار می‌گیرد.» (خلیلی، ۲۰۱۰م: ۲۰۷-۲۱۱)

استفاده از آیات سفاهت برای اثبات حرمت استعمال دخانیات و سفاهت افرادی که استعمال دخانیات می‌کنند، منطقی نیست، زیرا گرچه چنین افرادی به خود و دیگران لطمه می‌زنند، عرف آنها را سفیه نمی‌داند. از سویی بر فرض که این‌گونه افراد سفیه باشند، باید از هر نوع تصرف در مال خویش، حتی هزینه کردن آن در غیر دخانیات نیز ممنوع باشند و حال آن که ایشان از تصرفات مالی دیگر ممنوع نیستند.

آیاتی که از اکل مال به باطل نکوهش می‌کنند

خداوند فرموده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ» (نساء/۲۹)؛ هان! ای کسانی که ایمان آوردید، اموال خود را در بین خود به باطل مخورید، مگر آن که تجارتي باشد ناشی از رضایت دهنده و گیرنده.» و نیز فرموده است: «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتُدْءُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ.» (البقره/۱۸۸) و اموال خود را در بین خود به باطل مخورید و برای خوردن مال مردم، قسمتی از آن را به طرف حکام به رشوه و گناه سرازیر ننمائید با اینکه می‌دانید که این عمل حرام است.»

«باطل» به معنای نابودی و ناپایداری و ضد حق است. (طریحی، ۱۴۱۶: ۲۱۲/۱) در قرآن بیشتر در برابر واژه «حق» به کار رفته است. امام باقر علیه‌السلام درباره این آیه می‌فرماید: «منظور از باطل، ربا، قمار، کم‌فروشی و تجاوز به حقوق دیگران است.» (طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۳/۴۹)

منظور از نهی آیات مزبور از باطل، نهی آنها از سبب باطل است و مواردی را که شارع آن‌ها را مباح ندانسته، شامل می‌گردد؛ از جمله این موارد می‌توان به غضب، سرقت، خیانت و عقود فاسد اشاره کرد. مواردی که عقد نیستند، مانند قمار، اجرت زانیه و... نیز از مصادیق آن به شمار می‌آیند. (حلی سیوری، بی‌تا: ۳۳/۲)

برخی از دانشمندان اسلامی با استناد به آیات مزبور گفته‌اند که هزینه کردن مال برای تهیه دخانیات، از جمله مصادیق اکل مال به باطل است، لذا حرام می‌باشد. (خلیلی، ۲۰۱۰م: ۲۰۷-۲۱۱)

این دلیل بر حرمت هزینه برای تهیه دخانیات دلالت ندارد، زیرا صدق عنوان «باطل» برای چنین هزینه‌هایی، مشروط به اثبات حرمت استعمال دخانیات است. از

این رو فقهایی که استعمال دخانیات را حرام می‌دانند، هزینه کردن برای آن و کسب درآمد از طریق آن را مصداق اکل مال به باطل می‌دانند. اما از نگاه فقهایی که استعمال دخانیات را حرام نمی‌دانند، صدق عنوان «باطل» برای هزینه و کسب درآمد این‌چنینی مورد تردید است؛ مثلاً برخی از دانشمندان اهل سنت ضمن حرام دانستن استعمال دخانیات، از حرمت تجارت با آن سخن به میان آورده و گفته‌اند: «عالمان مسلمان در فتاوی خویش درباره حرمت استعمال دخانیات اجماع دارند و در نتیجه فروش سیگار و هر وسیله دیگر برای استعمال دخانیات، همچون تنباکو، عسل (برای تنباکوی میوه ای) و مشابه آنها، همگی تجارت در حرام بوده و همه درآمدهای حاصله از آن حرام می‌باشد.» (رکراکی، ۱۴۱۳ق: ۲۱۴/۱۴)

آیاتی که تبدیل و هدر دادن نعمت خدا را نکوهش می‌کنند:

خداوند در قرآن فرموده است: «وَمَنْ يُدِلْ نِعْمَةَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ.» (البقره/۲۱۱) و هر کس که نعمتی را که خدا به او عنایت کرده است دگرگون سازد، بداند که عقوبت او سخت است.

با توجه به این آیه، سلامتی، عقل، مال و نسل نعمت‌هایی هستند که خداوند به هر که بخواهد می‌دهد و بر هر کسی که این نعمت‌ها به او داده شد، واجب است که از آنها محافظت کند، زیرا هدر دادن نعمت‌ها تبدیل نعمت است که خداوند نسبت به آن وعده عذاب داده است، از سویی استعمال دخانیات تبدیل نعمت و هدر دادن نعمت سلامتی می‌باشد (خلیلی، ۲۰۱۰: ۲۰۷-۲۱۱) که یکی از گوهرهای پنج‌گانه ای است که حمایت آن بر هر مسلمانی واجب است. (سرسیق، ۱۳۹۷ق: ۱/۱)

نتیجه‌گیری

از این که یک فرد انگلیسی برای اولین بار دخانیات را وارد محدوده دولت عثمانی کرده، می‌توان نتیجه گرفت که مذاهب فقهی اهل سنت، زودتر با پدیده استعمال دخانیات روبرو شده‌اند.

سیر شیوع استعمال دخانیات در دنیای اسلام نشان می‌دهد که مذاهب فقهی اسلامی پس از گذشت زمانی، درباره حکم فقهی آن به بحث و تحقیق و گفتگو پرداختند. رساله‌های فقهی مستقل و متعددی که توسط فقهای مذاهب اسلامی پیرامون استعمال دخانیات نگارش یافته است، این امر را تأیید می‌کند.

آیات مورد استناد مذاهب فقهی اسلامی درباره دخانیات و حکم شرعی آن، نشان می‌دهد که مذاهب فقهی اهل سنت از آیات و روایات بیشتری درباره حکم استعمال دخانیات بهره گرفته‌اند.

از کثرت استناد فقهای مذاهب فقهی به آیات درباره استعمال دخانیات برمی‌آید که توجه به این‌گونه استنادها ضروری و مهم است، زیرا اکثر قریب به اتفاق مفسران، حتی نویسندگان کتب آیات الاحکام، تنها اشاره ناچیزی به این نوع آیات دارند و یا اصلاً به آنها اشاره‌ای نکرده‌اند؛ از این رو توجه به آیات مورد استناد فقهاء از یک سو نکات تفسیری جدیدی را نشان می‌دهد و از سوی دیگر می‌توان به آیات فقهی جدیدی دست یافت و دریافت که دیدگاه مشهور درباره شمار آیات فقهی درست نیست.

فهرست منابع و مآخذ:

- قرآن کریم
- ابن سیده، علی بن اسماعیل (بی تا)، *المخصص*، ج ۶، بی جا، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ابن عثیمین، محمد بن صالح (بی تا)، *اللقاء الشهري*، ج ۴، بی جا، بی جا: موقع الشبكة الإسلامية.
- بی نا (۱۴۲۷ق)، *فتاوی نور علی الدرب*، ج ۲۴، چاپ اول، بی جا: مؤسسه الشیخ محمد بن صالح بن عثیمین الخیریة.
- اسامه، علی محمد سلیمان (بی تا)، *دروس الشیخ اسامه سلیمان*، ج ۲۶، بی جا: موقع الشبكة الإسلامية.
- اسفندیاری (اسلامی)، رضا و قاسمی، ابراهیم (۱۳۹۶ش)، «مطالعه تطبیقی تدخین در فقه امامیه و اباضیه: بررسی دیدگاه آیت الله مکارم شیرازی و علامه احمد بن حمد خلیلی»، فصلنامه مطالعات تطبیقی مذاهب فقهی، شماره اول
- اشعری قمی، احمد بن محمد (۱۴۰۸ق)، *النوادر*، چاپ اول، قم: مدرسه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.
- اشقودری آلبانی، محمد ناصر الدین (۱۴۲۲ق)، *ضعیف موارد الظمان إلى زوائد ابن حبان*، ج ۵، چاپ اول، ریاض: دار الصمیمی للنشر و التوزیع.
- افندی، عبد الله (۱۴۳۱ق)، *ریاض العلماء*، ج ۴، چاپ اول، بیروت: مؤسسه التاریخ العربی.
- ثقفی تهرانی، محمد (۱۳۹۸ق)، *تفسیر روان جاوید*، ج ۱، چاپ دوم، تهران: برهان.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۳ق)، *الفوائد الطوسیة*، ج ۵، چاپ اول، قم: المطبعة العلمیة.
- بی نا (۱۴۱۲ق)، *هدایة الامة*، چاپ اول، مشهد: مجمع البحوث الإسلامية.
- حلی سیوری، مقداد بن عبدالله (بی تا)، *کنز العرفان فی فقه القرآن*، ج ۲، چاپ اول، قم: انتشارات مرتضوی.
- حماد الرسی، عبد الله (بی تا)، *دروس الشیخ عبد الله حماد الرسی*، بی جا، ج ۶۷، بی جا: موقع الشبكة الإسلامية.
- خلیلی، احمد بن حمد (۲۰۱۰م)، *الفتاوی الطبیة*، بی جا، عمان: مکتبة الجبل الواحد.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، *المفردات فی غریب القرآن*، چاپ اول، دمشق - بیروت: دارالعلم الدارالشامیة.

- راوندی، قطب‌الدین سعید (۱۴۰۵ق)، *فقه التمرآن*، ج ۲، چاپ دوم، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی.
- رکرکی، منیر (۱۴۳۵ق)، *المنصل فی فقه الدعوة الی الله تعالی*، ج ۱۴، بی‌جا، بی‌جا: بی‌نا.
- روحانی قمی، صادق (۱۴۱۲ق)، *فقه الصادق علیه السلام*، ج ۲۴، چاپ اول، قم: دارالکتاب مدرسه امام صادق علیه السلام.
- زهیری، حسن ابوالاشبال (بی‌تا)، *دروس الشیخ حسن ابوالاشبال*، ج ۶، بی‌جا، بی‌جا: موقع الشبكة الاسلامیة.
- سدلان، صالح بن غانم (۱۴۱۱ق-۱۴۱۲ق) «المخدرات و العقاقیر النفسیة اضرارها و سلبیاتها السیئة علی الفرد و المجتمع و طرق مکافحتها و الوقایة منها»، *مجلة البحوث الاسلامیة*، شماره ۳۲.
- سرسیق، ابراهیم (۱۳۹۷ق)، *الادلة و البراهین علی حرمة التدخین*، ج ۱، چاپ دهم، مدینه منوره: الجامعة الاسلامیة .
- سلمان، ابو محمد عبد العزیز (بی‌تا)، *الاسئلة و الاجوبة الفقهیة*، ج ۴، بی‌جا، مدینه: موقع مکتبة المسجد النبوی الشریف.
- شاهرودی، محمود (۱۴۲۶ق)، *فرهنگ فقه مطابق با مذهب اهل بیت علیه السلام*، ج ۳، چاپ اول، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیه السلام .
- شهابی، محمود (۱۴۱۷ق)، *ادوار فقه*، چاپ پنجم، تهران: سازمان چاپ و انتشارات .
- شیرازی، سید صادق (۱۴۲۲ق)، *الف مسألة فی بلاد الغرب*، چاپ اول، بیروت: مؤسسه الامامة.
- صدر، محمد باقر (۱۴۲۰ق)، *قاعدة لا ضرر*، ج ۷، چاپ اول، *تقرير سيد كمال حيدري*، قم: دار الصادقین للطباعة و النشر.
- صدوق قمی ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۶ق)، *علل الشرايع*، ج ۲، چاپ اول، قم: کتابفروشی داوری.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش)، *مجمع البیان فی تفسیر التمرآن*، ج ۸۳، چاپ سوم، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- طریحی، فخر الدین (۱۳۷۵ش)، *مجمع البحرین*، ج ۱، بی‌جا، تهران: نشر مرتضوی.
- الطوری، طارق (۱۹۹۸م)، «*حکم الدین فی عادة التدخین*»، ج ۱، بی‌جا: کویت، المؤتمر الاقلمی الاول لمکافحة التدخین.

- عبدالمنعم، عبدالرحمن (۱۴۱۹ق)، *معجم المصطلحات و الالفاظ*، ج ۱، چاپ اول، قاهره: دار الفضیلة.
- عاملی، جعفر مرتضی (۱۳۸۲ش)، *طبقات کتاب مآساة الزهراء علیها السلام*، ج ۱، تهران: الحوراء.
- علیان نژادی، ابوالقاسم (۱۳۸۹ش)، *سیگار پدیدہ مرگبار عصر ما*، قم، امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
- فخر رازی، ابوعبدالله محمد (۱۴۲۰ق)، *مفاتیح الغیب*، ج ۱۵، چاپ سوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فیومی، احمد بن محمد مقرئ (بی تا)، *المصباح المنیر*، ج ۲، چاپ اول، قم: منشورات دار الرضی.
- قحطانی، سعید بن مسفر (بی تا)، *دروس للشیخ سعید بن مسفر*، ج ۸، بی جا، بی جا: بی نا.
- قزوینی، محمد حسن (۱۳۹۷ق)، *البراهین الجلیلة*، ج ۵، بی جا، قاهره: بی نا.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹ق)، *الکافی*، ج ۱۲ و ۱۳، چاپ اول، قم: دار الحدیث للطباعة و النشر.
- گنابادی، سلطان محمد (۱۳۷۲ش)، *تفسیر بیان السعادة*، ترجمه محمدرضا خانی و حشمت الله ریاضی، چاپ اول، تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه پیام نور.
- لجنة الفتوی بالشبكة الاسلامية (۱۴۳۰ق)، *فتاوی الشبكة الاسلامية*، ج ۵، ۶، ۳، ۱۱، بی جا، بی جا: بی نا.
- متقی هندی، عمادالدین علی (۱۴۰۹ق)، *کنز العمال*، ج ۷ و ۱۶، بی جا، بیروت: مؤسسة الرسالة.
- مجموعه من العلماء و الدعاة و المفکرین (بی تا)، *مقالات موقع الالوكة*، بی جا، بی جا: بی نا.
- محمد بن عبدالوهاب (۱۴۲۷ق)، *خطب الشیخ الداعیة محمد بن عبدالوهاب*، ج ۱، بی جا، بی جا: موقع مشکاة الاسلامیة .
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۷ش)، *مجموعه آثار شهید مطهری*، ج ۲۱، چاپ هشتم، تهران: صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۷ش)، *سایت آیت الله ناصر مکارم شیرازی*،
<https://makarem.ir/main.aspx?typeinfo=21&lid=0&catid=476&mid=25145/>

- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۷ق)، *احکام پزشکی*، چاپ اول، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
- _____ (۱۴۲۷ق)، *استفتائات جدید*، ج ۱ و ۳، چاپ دوم، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
- _____ (۱۴۲۷ق)، *الفتاویٰ الجدیدة*، ج ۳، چاپ دوم، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
- _____ (۱۴۲۷ق)، *دائرة المعارف فقه مقارن*، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
- _____ (۱۴۱۱ق)، *القواعد الفقهية*، ج ۱، چاپ سوم، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
- منجد، محمد صالح (بی تا)، *بیع السیجار*، ج ۱، بی جا: بی نا.
- _____ (بی تا)، *دروس للشیخ محمد المنجد*، ج ۲۲۳، بی جا: بی جا: موقع الشبكة الاسلامية.
- _____ (۱۴۳۰ق)، *موقع الاسلام سؤال و جواب*، ج ۵، بی جا: بی جا: بی نا.
- _____ (۲۰۰۷م)، *فتاویٰ*، بی جا: بی جا: بی نا.
- منتظری، حسینعلی (۱۴۰۹ق)، *مبانی فقهی حکومت اسلامی*، ج ۳، ترجمه محمود صلواتی و ابوالفضل شکوری، چاپ اول، قم: مؤسسه کیهان.
- نجفی، محمدحسن (بی تا)، *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*، ج ۵، چاپ هفتم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- هیثمی، علی بن ابی بکر (بی تا)، *موارد الظمان ذلی زوائد ابن حیان*، ج ۵، بی جا: بی جا: موقع یعسوب.